

جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام (مصاحبه)



جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام (مصاحبه)

هر چند مبانی اندیشه سلفی به گذشته برمیگردد اما در یک قرن گذشته نقش مهمی در تحولات جهان اسلام داشته است. در این حال در این راستا برای شناخت بیشتری جریان شناسی سلفیان و نقش آنان در جهان اسلام و همچنین آینده آن گفتگویی با دکتر سید مهدی علیزاده موسوی کارشناس اندیشه های اسلامی و وهابیت انجام داده ایم که بخش نخست آن تقدیم میگردد. دکتر موسوی رئیس پژوهشکده حج و زیارت و صاحب کتاب هایی همانند سلفی گری و تبارشناسی وهابیت است. واژگان کلیدی: جریان شناسی سلفیان، جریان شناسی وهابیت، نقش سلفیان در جهان اسلام، رابطه سلفی گری با وهابیت، اندیشه سیاسی سلفی ها، آینده جایگاه سلفی ها در جهان اسلام، تقسیم بندی های سلفیان

مرکز بین المللی مطالعات صلح: برخی دایره ی مکتب سلفی گری را چنان گسترده تصور می کنند که همه ی اهل سنت را در بر می گیرد، و سابقه ی آن را به صدر اسلام باز می گردانند و برخی دیگر آن را مترادف وهابیت می دانند. در این بین سلفی گری دقیقاً چه نسبتی با وهابیت دارد؟

اعتقاد من این است که بین سلفی گری و اهل سنت اختلافات اساسی وجود دارد و سلفی هم به کسی اطلاق میشود که در حوزه روش شناسی نقل گرا، در حوزه معفت شناسی حدیث گرا، در حوزه هستی شناسی حس گرا و در حوزه معنانشناسی هم ظاهر گرا باشد. این چهار متغیر که در یک فرد شکل گرفته بشد وی را می توان سلفی نامید. به عبارت دیگر اندیشه سلفی همیشه عقل ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهار گانه اهل سنت نیست. واقعیت این است که اندیشه سلفی دارای طیف های مختلف بوده و جریانی منسجم نیست و وهابیت رابطه عام و خاص مطلق است. به این معنا که سلفی گری مفهومی عام است که مهترین مصداق آن وهابیت است، اما در کنار آن هم مکتب دیوبندی و اخوان المسلمین (گرایش تند آن) وجود دارد.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: جریان ها و طیف های مختلف درون سلفی در دنیای معاصر چیست؟

دو تقسیم بندی را می تواند در مورد جریانهای سلفی به کار برد. تقسیمی با توجه به خواستگاه این اندیشه، منشا و جایگاه آن است. از این منظر می توان سه خواستگاه مشخص برای آن در نظر گرفت. یک خواستگاه منطقه نجد است که وهابیت از آن برخاسته است. منطقه دوم شبه قاره هند است که اندیشه شاه ولی اله دهلوی از آن برخاسته و منطقه سوم در مصر است که شخصیت هایی مانند رشید رضا و سید قطب از چهره های آن هستند. در تقسیم بندی دیگر با توجه به گونه های مختلف سلفی گری میتوان آن را تقسیم کرد. یک طیف از سلفی گری را می توان سلفیان سکولار نامید که در دل این نوع از سلفی هم نوعی تعارض وجود دارد. یعنی از سویی سلفی است و از سویی هم سکولار است. نمونه این

سلفیت دولت عربستان است و آل سعود سلفیون سکولار هستند یعنی صرفاً از دین برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بهره برداری می کنند. دسته دوم سلفی گری تکفیری است که رسماً سایر مذاهب را تکفیر می کند شاخه های افراطی جریان وهابی مانند جریان الملکیه و جامیه مثال آن است. دسته سوم سلفی گری جهادی است که متأسفانه گاهی به سلفی گری تکفیری، جهادی گفته می شود. باز باید بین اینها تفکیک قائل بشویم. اما این دو متفاوت است

سلفی گری جهادی به نوعی ریشه در اندیشه های سید قطب در مصر دارد. مخالفان آن کشورهای غربی و دست نشانده هایی مانند سادات و لبه تیز دشمنی شان آمریکا، اسرائیل، انگلیس و کشورهای از این قبیل است. شاخه دیگر سلفی سلفی گری تنویری است این سلفی را سلفی گری روشنفکری هم می گوید این نوع از بقیه سلفی گری ها بهتر است. در حقیقت این نوع اط سلفی عنصر عقل در آن به چشم میخورد و شباهت آن با سلفی های دیگر آن است که اینگرایش بازگشت به گذشته را مد نظر دارد اما بازگشت به اصول و مانی و نه تک تک اعمال و رفتارها.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: سلفی گری جهادی چه تفاوتی با سلفی گری تکفیری دارد؟
هیچ گاه اندیشه سید قطب و امثال او این نبود که علیه جهان اسلام شمشیر بکشند و نمی خواستند جهاد را فرقه ای مذهبی قرار دهند. اما سلفیگری تکفیری سلفی گری اعتقادی است که دشمنانش مذاهب دیگر است و به نوعی فرقه گرایی هم در اندیشه سلفی گری تکفیری قابل مشاهده است اما در اندیشه سلفی گری جهادی کمتر است. نماد اصلی سلفی گری تکفیری در القاعده شکل گرفت.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: توان و مبانی اندیشه سیاسی سلفی های تکفیری چیست؟
سلفی های تکفیری با توجه به قرائتی که از دو محور ایمان و کفر یا توحید و شرک دارند تمامی مسلمانان را کافر می شناسند و دیدگاه آنان این است. اینان چون ظاهرگرا هستند و عبادت را صرفاً به خضوع و خشوع معنا میکنند. آنان همانند خوارج فکر می کنند و کسی که مرتکب گناه کبیره می شود را خارج از اسلام میدانند. این رویکرد در اندیشه های سیاسی آنان تسری می یابد. به این معنا که قائل به مرجعیت سیاسی سلف هستند و می گویند که خلافت به شکل اولیه خود ایجاد گردد. این در حالی است که اندیشه سیاسی اهل سنت بیشتر شورا محوری است نه خلیفه محوری.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا می توان سلفی گری تکفیری را مشابه وهابیت دانست؟
مصادق اصلی و اتم سلفی گری تکفیری وهابیت است، اما باید توجه داشت که در دل خود وهابیت هم جریان های اصلاح گرا داریم و نباید همه وهابیت را هم به یک چشم نگاه کنیم. مثلاً امروزه نوسلفیان را داریم که با بقیه تفاوت دارند. اما به هر حال خواستگاه سلفی گری تکفیری از دل وهابیت است و کشف الشبهات محمد ابن عبدالوهاب تکفیر مسلمان ها است. این کتاب هم مانیفست و منشور اندیشه سلفی گری تکفیری است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا گروه های تندروی مانند گروه های وابسته به مکتب سلفی «دیوبندی» در پاکستان «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی»، «جیش محمد» و «لشکر طیبه» همگی از سلفی های تکفیری هستند؟

دیوبندی ها خود به سه شاخه تقسیم می شوند. شاخه نخست معتدل است و جمعیت العلمای الاسلام جریانی تقریباً معتدل است و به دنبال کنترل قدرت اراده سیاسی است. شاخه دیگر تندرو جمعیت العلماء الاسلام شاخه سمیع الحق است که بیشتر در پیشاور و ... فعال

است و طالبان زائیده این اندیشه است. این جریان هر چند گرایش تکفیری دارد، اما بروز خارجی گسترده ای ندارد. شاخه ی دیگر دیوبندی ها تکفیری هایی است مانند سپاه صحابه، لشکر جنگجوی و سپاه طیبیه افراطی و سلفی تکفیری هستند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نگاه غربی ها نیز به انواع تقسیم بندی های درونی جریان های سلفی چیست؟

غربی ها در حقیقت دو نگاه به سلفی ها دارند. مستشرقین نسبتاً منصف نگاهی کالا منفی نسبت به سلفی دارند و بر این نظرند که سلفی ها جهان اسلام را منشق و متفرق کرده اند و سلفی ها بنیادگرا در مقابل اسلام گراها می گویند. اما در نگاهی دیگر واقعیت این است که جهان غرب (بویژه در حوزه قدرت و دولت) نگاهی ابزاری به سلفی ها دارد. به این معنا که از سلفی ها به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود در کشورهای اسلامی بهره می برد. مثلاً نا آرامی های سلفی ها در عراق به حضور غرب مشروعیت میداد. زرقاوی در ورود به عراق اعلام کرد برای مبارزه با صلیبیون می آید، اما تمام کشتار ها از مسلمانان بود. گذشته از این نیز در پاکستان هم هنگامی که ناامنی های سلفی ها وجود داشته باشد امریکا می تواند حضور داشته باشد. در یمن و عدن هم اینگونه است. در سوریه هم سلفی ها ابزاری در دست غرب برای به زانو درآوردن دولت اسد شده اند. در این حال غرب برای بحران زایی ها و نشان ندادن نقش خود بیشتر از سلفی ها بهره می برد.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: مهمترین گروه های فعال در سلفی گری جهادی و وابسته به این جریان در کشورهای اسلامی چیست و آیا گروه هایی مانند «الجماعة المسلحة» و «الجماعة السلفية للدعوة و القتال» در الجزایر «جماعة شباب المجاهدین» در سومالی، «جماعة جند انصار الله» و «حزب التحرير» نمونه هایی از سلفی گری جهادی هستند؟

سلفی گری جهادی ریشه در سید قطب و مصر دارد. تعریف سید قطب از جهاد این بود که جهان امروز جهان جاهلیت است و مظاهر کفر وجود دارد. بنا به تعریف وی هیچ جامعه ای در جهان جامعه اسلامی نیست و با این تعریف راهکار سید قطب یا هجرت و یا جهاد بود. هجرت امکان نداشت. چون جامعه ای اسلامی نبود (البته بر این اساس گروه تکفیر و الهجره به وجود آمد و در کوه های اطراف قاره زندگی می کردند.) اما روی دیگر حزب جهاد در مصر فعال شد و سادات را ترور کردند. اما ویژگی سلفی گری جهادی سران دست نشانده و غربی بود و نگاه به مردم مسلمان و رویکردی فرقه گرایانه نبود. به نظر من جو غالب در اخوان المسلمین مصر (که به نظر مهمترین مصداق سلفی گری جهادی است) همین نگاه است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: سلفی گری تبلیغی چه نگاهی به جهانی شدن، غرب و شیعیان دارد؟

سلفی گری در واکنش به بحث مدرنیسم به وجود آمد. مدرنیسم به شدت به عقل بها می دهد و سلفی ها عقل را کنار گذاشتند و انسان را حذف کردند. این دو جریان نگاهی کلانی به اندیشه خود داشتند. نگاه سلفی ها به غرب کاملاً منفی بود، اما واقعیت آن است که سلفی گری تبلیغی بیشتر در جماعت تبلیغ که در 104 کشور دنیا شعبه دارند خلاصه می شوند. ویژگی جریان تبلیغی بیشتر تبلیغی است و کار عملی چندانی ندارند. یعنی کمتر فعالیت تروریستی و ترور ... دارند. با این حال امروزه بخشی از این جریان هم به عاملی در دست سلفی های تکفیری بدل شده و همین اندیشه را در جهان اسلام گسترش می دهند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: در شرایط کنونی مهمترین رویکردهای سیاسی سلفی های تبلیغی چیست؟

سلفی گری تبلیغی بر این نظر است که کاری به سیاست نداشته و صرفاً مسائل دینی را تبلیغ کند. اما در دل این تفکر هم کاملاً اندیشه های سلفی هم دیده می شود. طالبان هم قبلاً پیرو سلفی گری تبلیغی بود. سلفی گری تبلیغی به دنبال این است که خود را در قالب جنگ نرم به جهان گسترش دهند و با تبلیغ جماعت های تبلیغ و شعبه های گسترده با روش چهره به چهره پیش می روند. هدف اینان تسلط قرائت سلفی در جهان اسلام است و اکنون هم دو نشست بزرگ در جهان اسلام (نشست رایوند پاکستان) که حدود یک میلیون سلفی تبلیغی در آبان ماه جمع میشوند و دیگری در بنگلادش است) دارند. جنگ نرم تبلیغی این جریان به این علت است که آنها ترس از آن دارند که با حضور در عرصه سیاسی دولت ها این گرایش را محدود کنند. مهمترین نماد این جریان حرکت شبکه های مولانا الیاس در دهه 1930 تحت عنوان جماعت تبلیغ ایجاد شد و اکنون در 104 کشور فعال است و مرکز اصلی هم در رایوند پاکستان است و حتی در زاهدان ایران هم مرکز جماعت تبلیغی دارند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نگاه شما به آنچه سلفی گری اصلاح طلب در برخی کشورها خوانده می شود چیست؟

در دل سلفی گری اصلاح طلب تعارضی وجود دارد، اما واقعیت آن است که به این دسته می توان نوسلفیان نام داد. این گروه با تکیه بر اندیشه های سلفی قائل به اصلاح هستند (مانند اینکه دولت مشروطه شود، حقوق زنان به رسمیت شناخته شود، به تفکیک قوا و حقوق مدنی مردم و.. توجه گردد. چهره هایی همانند سلمان العوده و.. در این شمول هستند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نظام پادشاهی عربستان چه ارتباطی با سلفی گری دارد؟

در حقیقت وهابیت دو پایه دارد. دیانت و سیاست. دیانت را از آغاز آل شیخ بر عهده داشته و فرزندان محمد بن عبدالوهاب است. پایه سیاست هم در دست آل سعود بوده است. رابطه بین این دو این است که آل سعود امنیت آل شیخ را بر عهده داشته و آل شیخ هم برای دولت مشروعیت سازی می کند. بنابراین ارتباطی همگون دارند. تعبیر من از دولت آل سعود به عنوان سلفیه سکولار این است که آل سعود بر این نظر است که تا زمانی که وهابیت مفید است از آن حمایت می کنند، اما در عربستان امروز حتی جریانهای سلفی افراطی مخالف دولت هم رشد بسیاری یافته و در استانی مانند القسیم به شدت ضد دولت هستند. دولت سعودس هم احساس می کند که برخی گرایش های وهابی بر ضد دولت موضع گیری می کنند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: اندیشه وهابیت به چند دسته تقسیم می شود؟

جریان وهابیت به گروههای مختلفی تقسیم می شود. گروه اول جریان عادی وهابیت است که از قرن دوازدهم وجود داشته و جریانی دولتی است. این جریان که شاخه مذهبی وهابیت یا همان وهابیت درباری است. به عبارت دیگر، اینها با آل سعود پیوند دارند. جریان دیگر اخوانی هاست که ضد جریان ملکیه یا درباری است و به شدت معتقد به اصول و مبانی وهابیت است. (هیچ ربطی به اخوان المسلمین مصر ندارد) آنها در سال 1979 میلادی به مسجد الحرام هجوم برده و آنجا را تسخیر کردند. ایدئولوژی آنان به شدت وهابی و وفادارترین افراد به عقاید محمد بن عبدالوهاب هستند. این جریان معتقد است که جریان ملکیه از مسیر محمد بن عبدالوهاب منحرف شده است.

جریان دیگری با تفکر وهابی در مقابل ملکیه (وهابیت درباری) جریان قطبیه است که ریشه در اندیشه های سید قطب دارد. جریان قطبیه، جریان انقلابی است که شکل گرفته است. بعد از جریان های ملکیه، اخوان و قطبیه، جریان دیگری در وهابیت شکل گرفته که گرایش تکفیری است. نماد اصلی سلفی گری تکفیری در القاعده شکل گرفته است. چنانچه رهبر القاعده جزو

خانواده های مرفه سعودی و ریشه در عربستان دارد.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نهادهایی مانند لجنه العلماء، هیئت کبار العلماء، جامعه مدینه و هیئت امر به معروف و نهی از منکر در عربستان در شمول چه جریانی از وهابیت قرار دارند؟
اینان در حقیقت زیر مجموعه جریان ملکیه هستند. جریان ملکیه یا پادشاهی در حقیقت وهابیت درباری است و ریشه در اندیشه ای آل شیخ دارد و نهادهای مورد اشاره اهرم هایی در دست این جریان هستند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا جریان دیگری با تفکر وهابی در مقابل ملکیه (وهابیت درباری) به فعالیت مشغول است؟

جامعه عربستان پیچیده شده است. نوسلفیان که در دهه 1970 کمیته دفاع از حقوق مشروع را بنیان گذاشتند مخالف دولت هستند. گروهها ی دیگری مانند اخوان التوحید هم قائل به این هستند که مفسد دولت را بیان کنند. جدا از این جریان لیبرال هست که تحصیل کرده غرب بوده و دولت پادشاهی را بر نمی تابند. چنانچه در عربستان ما شاهد بروز اندک اندک نهضتی فمینیستی هم هستیم. یعنی دولت از جوانب مختلف تحت فشار است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نوسلفیان چه کسانی هستند، چه تفکراتی دارند؟

اولین ویژگی اینان عقل گراتر از گذشته هستند و دوم سهمی از آموزه های مدرنیسم همانند تفکیک قوا، حکومت مشروطه، حقوق مدنی را بیشتر مد نظر دارند. سوم اینکه به حقوق زنان هم اعتقاد دارند و یعنی تلفیقی از اندیشه های نوین سیاسی و وهابیت دارند. در این حال تکفیر در بین اینان کمرنگ تر شده است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا عنوان نوسلفیان را میتوان همان وهابیت با اندیشه ای نوین دانست؟

بله. تقریباً اینگونه است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نقش شبکه جهانی رابطه الاسلامیه در عربستان در صدور اندیشه ای سلفی و وهابی تا چه میزانی است؟

رابطه الاسلامیه در دهه هفتاد هشتاد و نود رشد داشت و در کشورهای بسیاری بیمارستان ساخت. یعنی در کنار بیمارستان یک مدرسه وهابی هم ساخت که در آنها تکفیری تربیت کند، اما در دهه نو میلادی سده گذشته و دهه اول قرن بیست و یک رفته رفته احساس شد که این در این مدارس سلفی تندرو که احداث میشود برای کشورهای ایجاد مشکل می کنند. امروزه حتی کشورهای آفریقایی که نیازمند کمک هستند بدینانه به آن نگاه میکنند. مثلاً در کشور پاکستان در شهر اسلام آباد دانشگاهی را تحت عنوان دانشگاه بین الملل اسلامی ساخته اند که مرکزی برای سلفی پروری و ترویج پروری است. امروز دولت پاکستان می خواهد این مرکز را ببندد، اما عربستان کمکهایش را قطع میکند از طرفی هم این مراکز در صورت باز نگه داشته شدن بدل به مرکزی برای ترویجست ها می شود.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: در درون دولت عربستان امیر عبدالله، نایف و... چه جریان اندیشه ای قدرت بیشتری دارد؟

نسل بعد از عبدالعزیز پیر شده است و امیر عبدالله بیمار بوده و ولیعهد هم آلزایمر دارد. اکنون قدرت در حال انتقال به نسل دوم است. هر چه قدرت از طبقه اول به دوم می رسد شاهد پراکندگی بیشتر و ضعف قدرت هستیم. چنانچه اکنون اندیشه های نو بیشتر از اندیشه یا سلفی در دولت عربستان جایگاه دارند. تمام این امور بیانگر این است که آل سعود خود را با جهان امروز وفق می دهد. یعنی اندیشه ای سلفی آرام آرام در لایه ای دولت فروکش می کند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا جریان هایی مانند اخوان المسلمین مصر که در پی ایجاد حاکمیت سیاسی می باشد، را می توان در ردیف سلفی گری سیاسی نوین قرار داد؟
 اخوانی گرایش سلفی دارد، اما واقعیت این است که خود اخوان هم جریانی واحد نیست و دارای شعب مختلف است. رهبری اخوان معتدل را کسانی مانند مهدی العاکف و . بر عهده دارند. جریانی دیگر اخوان تندرو است. گرایش دیگر سکولار هستند. تحلیل من این است که در بین سلفی های جهان اسلام اخوان المسلمین بهترین گزینه است. یعنی با دیگر مسلمانان اهل تعامل هستند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: حزب النور، حزب الفضیله و حزب الاصله در مصر چه نسبتی با اندیشه های سلفی در عربستان دارند؟

این سه حزب اندیشه سلفی عربستان را نمایندگی می کنند. به عبارت دیگر در جریان بیداری اسلامی آنان به شدت به دنبال یارگیری در جهان اسلام بود، اما با عملکرد خود (در یمن با حمایت از صالح در بحرین با حمایت از آل خلیفه) مطرود شده اند. جالب آنکه در مصر هیئت کبار العلما انقلاب مردم را محکوم میکند و انقلاب علیه دولت را حرام می داند. در این حال هم به دنبال جایگاه در مصر بودند. در مصر با توجه به زمینه های سلفی این سه حزب به شدت مورد حمایت عربستان سعودی هستند و فعالیت می کنند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: نگاه کنونی و رابطه اندیشه ای اخوان المسلمین مصر با اندیشه وهابیت در عربستان چیست؟

به نظر من بین این دو گرایش ارتباط چندانی وجود ندارد. اخوان المسلمین هم وهابیت عربستان را بر نمی تابد. شاید این سوال پیش آید که چرا مرسی به عربستان رفت؟ در پاسخ باید گفت دولت مصر و نظام کنونی مصر خیلی ضعیف است و نیاز به کمک هایی که قطر و عربستان به این کشور می کنند دارد. امریکا هم چون با عربستان پیوند دارد دولت مرسی نمی تواند رسماً موضعی ضد عربستانی و ضد وهابی بگیرد. اما در عمل ما چندان شاهد بروز و ظهور اندیشه های وهابی مصر در هیئت حاکمه مصر نیستیم. مهمترین تفاوت این دو جریان تکفیر است. وهابیت تکفیر را دنبال می کند، اما اخوان به دنبال این امر نیست. دوم وهابیت به شدت فرقه گرا است، اما اخوان فرقه گرا نیست. سوم اخوان المسلمین جز پیکره جهان اسلام است و خود را در ردیف مذاهب اسلامی می داند اما وهابیت (هر چند می گویند که حنبلی هستند اما با حنبلی ها تفاوت دارند). اینگونه نیست. بنابراین در دسته بندی اخوان کاملاً در بین اهل سنت قرار می گیرد، اما وهابیت نیستند.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: آیا میتوان گفت اسلام اخوانی در آینده رقابت بیشتری در مقابل وهابیت عربستانی در جهان اهل سنت داشته باشد؟

مصر بستر این امر هست و در دوره های خود ثابت کرده است که علمای مصر زمینه تعامل را دارند. مثلاً کتابهای طبرسی در مصر چاپ می شود. آنچه باید ما توجه داشته باشیم آن است از این ظرفیت های مصر به گونه دقیق بهره گیریم و در راستای همگرایی با اهل سنت در مقابل وهابیت و سلفی گری استفاده کنیم. یعنی این پتانسیل در دل اخوان المسلمین هست اما بستگی به ما هم دارد که از این ظرفیت بهره بریم. در این حال به نظر من قطب بندی اسلام اخوانی در مقابل اسلام وهابی در حال افزایش است.

مرکز بین المللی مطالعات صلح: به نگاه شما چه عواملی در آینده تغییر و تحولات در قدرت گیری جریان های سلفی در جهان اسلام نقش دارد؟

هر جدا مدرنیسم باشد و فقر هم وجود داشته باشد اندیشه های سلفی رشد میکند. اندیشه

های سلفی جذابیت ظاهری برای مردم عوام از جمله بازگشت به سده های اولیه اسلام و ... دارد. یعنی انسان مسلمان مایوس شده از غرب به راحتی جذب این فضا می شود و وهابیت هم به شدت به دنبال این امر است. در این حال با وجود آنکه ما در برهه هایی شاهد رشد این اندیشه در جهان اسلام بودیم، اما به خاطر عملکرد بد سلفی ها در دنیا به شدت این اندیشه در حال فروکش کردن است. مردم از ترور و جنگ خسته شده اند. نمونه واقعی قتل بن لادن است. مثلا اگر اسامه بن لادن در دهه 80 یا نود سده گذشته کشته میشد نا امنی های بسیاری در جهان اسلام به وجود می آمد، اما در زمان مرگ بن لادن واکنشی گسترده انجام نشد. چرا که چنین چهره هایی در بین مسلمانان جایگاهی ندارند.

هر چند شاهد بیدرای اسلامی در جهان اسلام هستیم که نوید اسلام معتدلی را در جهان اسلام می دهد اما از طرفی هم باید گفت شرایط کنونی شمشیری دو لبه است. با توجه به وضعیتی که پیش روی جهان اسلام است بیم آن است که اگر جهان اسلام دقیق نیاندیشد و در مقابل جریانهای تکفیری و ارهابی نایستد جریان های سلفی قدرت پیدا خواهد کرد. در این حال باید گفت روند رخدادهای جهان اسلام نشانگر این واقعیت است با عنایت به اینکه مردم از تکفیر و کشتارها خسته شده، سلفی گری هم دکترین خاصی هم در عرصه حکومت برای جهان اسلام ندارد، با اولیات زندگی مدرن که تمام جوامع اسلامی آن را پذیرفته اند (در قالب فتاوایی مانند حرام بودن پنکه، تلفن همراه و...) مبارزه میکند نشانگر این است که به افول خود نزدیک می شود. اما همه این رویکرد نیازمند برنامه ریزی دقیقی است. در شرایط کنونی با توجه به اینکه رفته رفته تعارض ها بین دنیای غرب و اسلام بیشتر میشود امکان رشد اندیشه های سلفی گری جهادی بیشتری است. چرا که سلفی گری جهادی مخاطبش مسلمان ها نیستند بلکه سران غربی و سران دست نشانده هستند. در این حال جریان تکفیری امکان بروز کمتری خواهد داشت و جریان تبلیغی هم اگر رویکرد تبلیغی خود را در پیش گیرد امکان ادامه دادن دارد.